

گفتگو با باینده هواپیمای پرواز اهواز به مشهد!



گروه حوادث - عامل هواپیمای ربای پرواز اهواز به تهران پای میز محاکمه رفت. هواپیمای ربایی در مسیر اهواز به مشهد رخ داد. در جریان این هواپیمای ربای یک مسافر مدعی شده بود که بمب به همراه دارد و فردی که هواپیمای ربایی کرده بود قصد داشت هواپیمای را راهی عربستان کند. متهم به هواپیمای ربای در دادگاه از خود دفاع کرد اما عملیات هواپیمای ربایی خیلی سریع ختنی سازی شده بود.

۱۵ اسفند سال ۹۹ سپاه پاسداران اطلاعیه ای مبنی بر ختنی سازی عملیات هواپیمای ربایی در مسیر هوایی اهواز به مشهد صادر کرد. در این حادثه پرواز ۳۳۴ شرکت هواپیمایی هما از نوع فرکر ۱۰۰ که حامل ۶۳ مسافر و ۹ خدمه پرواز بود به تهدید یکی از مسافران به هواپیمای ربای و رو شد اما خلبان با تغییر مسیر در اصفهان فرود آمد و با اقدام به موقع نیروهای امنیتی سپاه، عامل هواپیمای ربایی دستگیر شد.

پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و متهم برای دفاع پای میز محاکمه رفت. در ابتدای جلسه رسیدگی کیفرخواست صادر شده علیه متهم قرائت شد که مطابق آن این فرد متهم شده به اقدام به هواپیمای ربایی، تهدید امنیت پرواز تهدید به بمب گذاری.

سپس متهم در جایگاه دفاع حاضر شد و در توضیح روز حادثه وانگیزه خود از این اقدام گفت: «روز حادثه به همراه یک جلیقه انفجار قلابی و اسلحه قلابی سوار هواپیمای اهواز به مشهد شدم. اما قبل نقشه ریودن هواپیمای را در سرداشتم اما تصمیم داشتم اگر شرایط مهیا بود این کار را انجام دهم. زمانی که هواپیمای در اصفهان فرود آمد قاضی خطاب به متهم گفت: «النگیزه تو از این اقدام چه بود؟»

متهم در جواب گفت: «من به خاطر دغدغه اجتماعی این کار را انجام دادم و می خواستم با این شیوه اعتراض خودم را نشان دهم!» قاضی: «قبلا گفته بودی قصد داشتی هواپیمای را به عربستان منتقل کنی. آیا قصد پناهندگی داشتی؟» متهم: «قصد داشتم به عربستان بروم اما نمی خواستم پناهنده شوم. فقط می خواستم صدای خودم را به جایی برسانم. نمی خواستم از رسانه های فارسی زبان غربی کمک بگیرم. چون آنها به فکر مانع بستن و فقط به خاطر پول خودشان اخبار منفی را منتشر می کنند. دلار یک ریال گران می شود اطلاع می دهند اما اگر هزار تومان ارزان شود اعلام نمی کنند. فقط می خواهند با سیاسیایی مردم

قتل در ۱۶ سالگی برای سرقت خودرو!



گروه حوادث - تحقیقات در پرونده قتل راننده اینترنتی نشان می دهد که نوجوانی ۱۶ ساله به تنهایی او را به قتل رسانده تا خودروی وی را سرقت کند. تحقیقات در این پرونده از روز ۲۷ مهر امسال شروع شد. آن روز مردی به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن پسرش خبر داد. او گفت که پسرش راننده اینترنتی است و برای مسافر کشی از خانه خارج شده اما دیگر باز نگشته است. با شکایت این مرد تحقیقات پلیسی برای یافتن پسر ۳۰ ساله آغاز شد تا اینکه ساعت ۷ صبح بیست و هشتم مهر جسد او در منطقه کوهسار پیدا شد.

آن روز باغبانی در میان درختان چشمش به جسد پسر جوان افتاد که دست و پایش بسته بود و پلیس را خبر کرد. پس از آن مأموران در محل حادثه حضور یافتند و در جریان بررسی ها معلوم شد که مقتول همان راننده ۳۰ ساله است که روز قبل ناپدید شده بود.

دفاعیات قاتل ۱۶ ساله تهرانی با گزارش این جنایت به قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس جنایی تهران، تحقیقات برای کشف راز جنایت آغاز شد. بررسی ها نشان می داد که قاتل پس از قتل جوان ۳۰ ساله خودروی پژوی او را سرقت کرده است. مأموران مشخصات خودروی مقتول را در اختیار همه واحدهای گشتی قرار دادند و در گام بعدی به سراغ مسافران رفتند که روز حادثه درخواست خودروی اینترنتی کرده بودند و مقتول درخواست آنها را قبول کرده بود.

یافته های تیم جنایی نشان می داد آخرین فردی که درخواست خودروی اینترنتی کرده و با موبایل مقتول تماس گرفته بود، پسر نوجوان به نام سهراب بود. پسر ۱۶ ساله که در میدان تره بار تهران کار می کرد. بر اساس اطلاعات پلیس، سهراب اهل یکی از شهرهای غربی کشور بود که مدتی قبل برای کار به تهران سفر کرده بود. در شرایطی که تحقیقات برای دستگیری این فرد آغاز شده بود، پلیس تهران خبر رسید که خودروی مقتول در همان در حالی پیدا شده که با خودروی دیگری تصادف کرده و راننده آن بعد از تصادف از ماشین پیاده شده و فرار کرده است.

مشخصاتی که شاهدان از راننده فراری می دادند با سهراب یکی بود. علاوه بر این شناسنامه او نیز داخل ماشین مقتول کشف شد و همه این شواهد نشان می داد که نوجوان ۱۶ ساله، قاتل راننده ۳۰ ساله است.

مأموران با اطلاعاتی که از قاتل داشتند خیلی زود نتوانستند مخفیگاه او را شناسایی و وی را دستگیر کنند. پسر نوجوان در نخستین بازجویی با اقرار کرد که با همدستی دوستش دست به جنایت زده است. وی گفت: با دوستم تصمیم به سرقت ماشین گرفتم تا برای تفریح به زادگاهمان که یکی از شهرهای غربی کشور است برویم. ابتدا درخواست یک خودروی اینترنتی کردیم. مرد میانسانی که پژو ۲۰۶ داشت، درخواست ما را قبول کرد. او به رفتارهای ما شک کرد و گفت قصد کنسل کردن دارد.

به همین دلیل پیاده شدیم و درخواست خودروی دیگری کردیم. دومین راننده پسر جوان بود که نتیجه غیرتی شده بود با حسی غرور آمیز روی به من کرد و گفت: «من انتقام تو را از او می گیرم». اما آن زمان نفهمیدم باور چه تصمیمی گرفته است او فقط دلش به حال اشک های من سوخته بود من هم فکری می کردم این گونه ارز شدمند می شوم و شاید جعفر به همه چیز پشت پا بزند و به خواستگاری ام بیاید ولی بعد متوجه شدم باور که با یکی از اراذل و اوباش معروف مشهد رفیق بود از او خواسته است تا جعفر را تعقیب کند و او را آن قدر کتک بزند که راهی بیمارستان شود ولی آن جوان شرور حادثه دیگری را رقم زد. او محل سکونت خانواده جعفر را پیدا کرده بود با یک طرف پر از بنزین به سراغ آن هارفت و خودروی گران قیمتش را به آتش کشید و خسارت زیادی به بار آورد بعد از این ماجرا خیلی زود مأموران کلانتری آنکو به سراغم آمدند و مرا دستگیر کردند. حالا هم از اشتباهی که کرده ام بسیار پشیمانم. من باور را دوست نداشتم فقط می خواستم با این شیوه جعفر به زندگی من باز گردد... با توجه به اهمیت ماجرا با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آنکو مشهد) تحقیقات گسترده نیروهای تجسس برای دستگیری دیگر عوامل مرتبط با این ماجرا آغاز شد.

گروه حوادث - نتیجه مانده است چرا که آن ها خانواده ای پولدار بودند و خودشان را بالاتر از مایه دانستند از سوی دیگر نیز جعفر از نظر مالی و شغلی به پدرش وابسته بود و تحت حمایت او قرار داشت. خلاصه در حالی ارتباط من و جعفر قطع شد که در طول ماه های گذشته وابستگی عاطفی عجیبی به او پیدا کرده بودم اما جعفر معتقد بود که خانواده اش موجب جدایی ما شده اند.

در این شرایط که بسیار سرخورده و افسرده شده بودم دیگر به هیچ چیز توجهی نداشتم، روزهای سختی را می گذراندم تا این که متوجه ابراز علاقه های «باور» شدم. او هم یکی از کارگران فروشگاه بود که از چند ماه قبل در آن فروشگاه کار می کرد.

من هم که از نظر روحی وضعیت خوبی نداشتم تصمیم گرفتم باور را جابگیرم جعفر کتم اما از صمیم قلب راضی به این کار نبودم چرا که باور جوانی بدبخت و بیچاره مانند خودم بود و از طرف دیگر نیز سه سال اختلاف سنی داشتیم و من بزرگ تر از او بودم. با وجود این در حالی با باور وارد رابطه شدم که هنوز امید می به بازگشت جعفر داشتم.

خلاصه در یکی از همین دیدارها او گفت و گو با باور ماجرای جعفر و خانواده اش را برای او بازگو کرد. باور هم که از شنیدن قصه من به

گروه حوادث - وقتی خانواده «جعفر» با ازدواج مخالفت کردند و نگذاشتند او به خواستگاری ام بیاید من هم با پسر دیگری آشنا شدم که از خودم کوچک تر بود ولی او به خاطر شنیدن ماجرای من و «جعفر» چنان غیرتی شد که حادثه وحشتناکی را رقم زد...

این ها بخشی از اظهارات دختر ۲۲ ساله ای است که در پی وقوع یک حادثه دلخراش توسط پدر و های روز بددایر متجسس کلانتری آنکو مشهد دستگیر شده بود. این دختر جوان در حالی که یک شب را در بازداشتگاه بانوان به سر برده بود، درباره سرگذشت تاسف بار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: چند سال پیش ترک تحصیل کردم و در یکی از فروشگاه های مشهد مشغول کار شدم تا هزینه های خانواده و مادر پریم را تامین کنم.

روزگار خوبی داشتم تا این که دو سال پیش با «جعفر» آشنا شدم. او که از مشتری بان فروشگاه بود و اوضاع مالی خوبی نیز داشت. به همین دلیل رابطه من و جعفر آن قدر صمیمی شد که بالاخره قرار ازدواج گذاشتیم و به این ارتباط پنهانی ادامه دادیم اما بعد از گذشت مدت زیادی از این ارتباط مخفیانه خانواده جعفر حاضر نشدند به خواستگاری دختری مانند من بیایند. جعفر هم مدتی پدر تلاش هایش برای رضایت خانواده

چرا این روش را برای دغدغه های اجتماعی انتخاب کردی؟ هر سری یک عقلی دارا! اگر کاری که کردی پشیمانی؟ اگر دغدغه های اجتماعی اصلاح نشود دیگر چه اهمیتی دارد که من پشیمان باشم یا نه؟ شغلش چیست؟ برقت کار بودم و جلون بندی خودروهای سبک را تعمیر می کردم. برای شنیدن نقشه هواپیمای ربایی از کسی هم کمک گرفتی؟ نه من هیچ همدستی نداشتم حتی همسرم که در آن سفر همراه من بود از این نقشه خبر نداشتم.

انتقام هولناک یک شرور

شدت غیرتی شده بود با حسی غرور آمیز روی به من کرد و گفت: «من انتقام تو را از او می گیرم». اما آن زمان نفهمیدم باور چه تصمیمی گرفته است او فقط دلش به حال اشک های من سوخته بود من هم فکری می کردم این گونه ارز شدمند می شوم و شاید جعفر به همه چیز پشت پا بزند و به خواستگاری ام بیاید ولی بعد متوجه شدم باور که با یکی از اراذل و اوباش معروف مشهد رفیق بود از او خواسته است تا جعفر را تعقیب کند و او را آن قدر کتک بزند که راهی بیمارستان شود ولی آن جوان شرور حادثه دیگری را رقم زد. او محل سکونت خانواده جعفر را پیدا کرده بود با یک طرف پر از بنزین به سراغ آن هارفت و خودروی گران قیمتش را به آتش کشید و خسارت زیادی به بار آورد بعد از این ماجرا خیلی زود مأموران کلانتری آنکو به سراغم آمدند و مرا دستگیر کردند. حالا هم از اشتباهی که کرده ام بسیار پشیمانم. من باور را دوست نداشتم فقط می خواستم با این شیوه جعفر به زندگی من باز گردد... با توجه به اهمیت ماجرا با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری آنکو مشهد) تحقیقات گسترده نیروهای تجسس برای دستگیری دیگر عوامل مرتبط با این ماجرا آغاز شد.

نتیجه مانده است چرا که آن ها خانواده ای پولدار بودند و خودشان را بالاتر از مایه دانستند از سوی دیگر نیز جعفر از نظر مالی و شغلی به پدرش وابسته بود و تحت حمایت او قرار داشت. خلاصه در حالی ارتباط من و جعفر قطع شد که در طول ماه های گذشته وابستگی عاطفی عجیبی به او پیدا کرده بودم اما جعفر معتقد بود که خانواده اش موجب جدایی ما شده اند.

در این شرایط که بسیار سرخورده و افسرده شده بودم دیگر به هیچ چیز توجهی نداشتم، روزهای سختی را می گذراندم تا این که متوجه ابراز علاقه های «باور» شدم. او هم یکی از کارگران فروشگاه بود که از چند ماه قبل در آن فروشگاه کار می کرد.

من هم که از نظر روحی وضعیت خوبی نداشتم تصمیم گرفتم باور را جابگیرم جعفر کتم اما از صمیم قلب راضی به این کار نبودم چرا که باور جوانی بدبخت و بیچاره مانند خودم بود و از طرف دیگر نیز سه سال اختلاف سنی داشتیم و من بزرگ تر از او بودم. با وجود این در حالی با باور وارد رابطه شدم که هنوز امید می به بازگشت جعفر داشتم.

خلاصه در یکی از همین دیدارها او گفت و گو با باور ماجرای جعفر و خانواده اش را برای او بازگو کرد. باور هم که از شنیدن قصه من به

گروه حوادث - وقتی خانواده «جعفر» با ازدواج مخالفت کردند و نگذاشتند او به خواستگاری ام بیاید من هم با پسر دیگری آشنا شدم که از خودم کوچک تر بود ولی او به خاطر شنیدن ماجرای من و «جعفر» چنان غیرتی شد که حادثه وحشتناکی را رقم زد...

این ها بخشی از اظهارات دختر ۲۲ ساله ای است که در پی وقوع یک حادثه دلخراش توسط پدر و های روز بددایر متجسس کلانتری آنکو مشهد دستگیر شده بود. این دختر جوان در حالی که یک شب را در بازداشتگاه بانوان به سر برده بود، درباره سرگذشت تاسف بار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: چند سال پیش ترک تحصیل کردم و در یکی از فروشگاه های مشهد مشغول کار شدم تا هزینه های خانواده و مادر پریم را تامین کنم.

روزگار خوبی داشتم تا این که دو سال پیش با «جعفر» آشنا شدم. او که از مشتری بان فروشگاه بود و اوضاع مالی خوبی نیز داشت. به همین دلیل رابطه من و جعفر آن قدر صمیمی شد که بالاخره قرار ازدواج گذاشتیم و به این ارتباط پنهانی ادامه دادیم اما بعد از گذشت مدت زیادی از این ارتباط مخفیانه خانواده جعفر حاضر نشدند به خواستگاری دختری مانند من بیایند. جعفر هم مدتی پدر تلاش هایش برای رضایت خانواده

چرا این روش را برای دغدغه های اجتماعی انتخاب کردی؟ هر سری یک عقلی دارا! اگر کاری که کردی پشیمانی؟ اگر دغدغه های اجتماعی اصلاح نشود دیگر چه اهمیتی دارد که من پشیمان باشم یا نه؟ شغلش چیست؟ برقت کار بودم و جلون بندی خودروهای سبک را تعمیر می کردم. برای شنیدن نقشه هواپیمای ربایی از کسی هم کمک گرفتی؟ نه من هیچ همدستی نداشتم حتی همسرم که در آن سفر همراه من بود از این نقشه خبر نداشتم.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>مفقودی</h3>	<h3>خدمات</h3>	<h3>استخدام</h3>	<h3>دعوت به همکاری</h3>
<p>تعدادی مدارک از قبیل کارت ملی به شماره ۰۰۷۰۹۵۲۳۲۹۰ و پاسپورت، گواهینامه، مدارک دانشگاهی، سند موتور، مبیعه نامه سیمکارت، مبیعه نامه رهن منزل، کارت فرودگاهی و به نام محمد علی ماکوئی سرقت شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>از کارمند خانم برخوردار از سابقه کار در دفتر بیمه دعوت به همکاری می شود. شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴ تماس: ۸ صبح تا ۳ ظهر</p>	<p>بدینوسیله به اطلاع کیشوندان می رساند درمانگاه عمومی بصیر جهت تکمیل کادر درمان خود به تعدادی بهیار و پرستار جهت همکاری نیازمند است متقاضیان می توانند جهت اطلاعات بیشتر با تلفن های ۰۹۱۲۶۱۹۳۴۰۷ تماس حاصل نمایند</p>
<h3>حمل بار</h3>	<h3>تاسیسات ساختمانی کریمی</h3> <p>۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴</p>	<h3>تدریس خصوصی</h3> <p>تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس - به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی - با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱</p>	<p>کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مرارید، بلوک b۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<h3>حمل و جابجایی کالا</h3> <p>با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<h3>آب معدنی</h3> <p>کیش نوش تولید و توزیع آب معدنی در جزیره ۴۴۴۷۳۴۲۱ - ۴۴۴۷۳۴۲۱</p>	<h3>تدریس خصوصی دروس ابتدایی</h3> <p>با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۱۱۹۶۷۴۳۵۴</p>	<p>منشی شیفت صبح جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مرارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش
ضد عفونی
 اماکن قرنطینه ای . منازل مسکونی
 تجاری . اداری . پروژه ها و ...
 با مه پاش های سرد - فوری

